

جنگ معاهدات

سیاست انگلستان برای مهار امرای افغان و شاهان قاجار)

هادی بیاتی^۱

محمود سلجوقی^۲

چکیده

سرزمین وسیع هندوستان مهم ترین مستعمره انگلستان در سده بیستم در معرض توجه سایر دول استعماری قرار داشت و برخی از آنها مانند فرانسه و روسیه تلاش داشتند تا از طریق مرزهای زمینی در ایران و افغانستان به این منطقه نفوذ کنند. از این رو، انگلیس در ایران و افغانستان نفوذ کرد تا علاوه بر حفظ هندوستان، امتیازهای جدیدی در این مناطق به دست آورد. یکی از سیاست‌های انگلیسی‌ها برای برقراری ارتباط با شاهان قاجار و امرای افغان، انعقاد معاهدات بود. پژوهش تاریخی حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای به دنبال بررسی و شناسایی این معاهدات و تحلیل مفاد و نتایج آنها است. یافته‌ها نشان می‌دهد که انگلیس با انعقاد این معاهدات از قاجاریه علیه امرای افغان و از امرای افغان علیه قاجاریه استفاده می‌کرد. در واقع انگلیس با برقراری معاهدات، زمینه اتحاد و همکاری میان شاهان قاجاری و امرای افغان علیه نفوذ انگلیس در دو منطقه را خنثی کرد، در حالی که زمامداران قاجاری و امرای افغان با کنار نهادن اختلاف‌ها می‌توانستند همانند سده‌ی در مقابل تکاپوهای انگلستان عمل کنند.

واژگان کلیدی:

ایران، انگلستان، شاهان قاجار، امرای افغان، سیاست، جنگ معاهدات.

درجه مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

^۱ استادیار تاریخ گروه معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر-ایران h.bayati@umz.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گرایش تاریخ ایران دوره اسلامی، تهران-ایران (نویسنده مسئول) saljoghimahmood@gmail.com

مقدمه

انعقاد معاهدات به قصد صلح، همکاری و پشتیبانی، همواره در طول تاریخ و در لابه‌لای فعالیت‌های نظامی یا در پایان عملیات نظامی به منظور پایان بخشیدن به نبردها، بخشی از دیپلماسی کشورها بوده است. در سده نوزدهم و بیستم میلادی، کشورهای اروپایی در مناطق مستعمراتی علاوه بر عملیات نظامی سعی می‌کردند از روش‌های دیپلماسی نیز استفاده کنند. انگلستان (بریتانیا) از جمله کشورهای بود که از این حربه در مناطق تحت‌نفوذ خود به وفور استفاده می‌کرد. ایران و افغانستان به‌عنوان دروازه ورود و کلید حفظ هندوستان، مهم‌ترین مستعمره انگلستان، منطقه عملیات نظامی و برنامه‌های سیاسی این کشور بودند. انگلستان از دوره فتحعلی‌شاه قاجار تا هنگام جدایی هرات از ایران، معاهدات متعددی را به زمامداران ایرانی تحمیل کرد که به سبب ضعف سیاستمداران ایرانی و ناآگاهی از اسلوب مذاکره، مفاد این معاهدات بیشتر منویات بریتانیا را محقق می‌ساخت و به اهداف و منافع ایران توجهی نمی‌کرد. از سوی دیگر، انگلیسی‌ها با زمامداران سلسله درانی و بارکزیایی نیز چنین معاهداتی را منعقد کردند و در آنجا نیز همچون ایران، نمایندگان انگلیسی دست‌پیش را داشتند. در برخی از این معاهدات، به‌ویژه عهدنامه‌های مربوط به مسئله هرات و حفظ هندوستان که انگلستان با ایران و افغانستان منعقد نمود، هدف اصلی تعیین نوع و چگونگی روابط ایران با افغانستان و بالعکس بود. همچنین رفع تهدیدها از هند، مهم‌ترین اصل و مفاد این معاهدات بود. بررسی مفاد معاهدات در جریان بررسی وقایع تاریخی و عملیات نظامی به‌خوبی نشان می‌دهد که انگلستان تا چه حدی تعیین‌کننده روابط میان ایران و افغانستان در دوره قاجاریه بود. انگلستان از سال ۱۲۲۳ ق. تا ۱۲۷۳ ق. از یک طرف میان ایران و از سوی دیگر، میان افغانستان معاهدات سیاسی منعقد نمود که در معاهده‌های انگلیس با ایران، کنترل افغانستان و در معاهدات با افغانستان، کنترل ایران را مدنظر داشت. محتوا و مفاد معاهدات، طرفین معاهده و تأثیر این قراردادها در روابط ایران و افغانستان از دوره فتحعلی‌شاه (معاصر شاه زمان درانی) تا عصر ناصرالدین شاه (معاصر دوست‌محمد خان و شیرعلی خان) محور اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

روابط ایران و افغانستان و نیز روابط ایران با انگلستان و روابط افغانستان با انگلیس در تحقیقات مختلفی بررسی شده است. از میان محققان افغان می‌توان به فرهنگ (۱۳۶۷)، *افغانستان در پنج قرن اخیر* و رشتیا (۱۳۷۷)، *افغانستان در قرن نوزده* اشاره نمود که روابط افغانستان با ایران و انگلیس را بررسی کرده‌اند. از آنجایی که محققان افغان در راستای تبدیل این کشور به سرزمینی مستقل از ایران آثار خود را نوشته‌اند، متأسفانه از ارتباط معاهداتی که انگلیس از یک سو با

شاهان قاجار و از سوی دیگر با امرای افغان منعقد کرده است، غفلت کرده‌اند. محققان ایرانی نیز چون شمیم (۱۳۸۹، ایران در دوره سلطنت قاجار)، بهمنی قاجار (۱۳۸۵، گستره تمدنی ایران خاوری در آستانه جدایی سیاسی ایران و افغانستان ۱۲۵۰-۱۱۶۰)، بهمنی قاجار (۱۳۸۶، واپسین تلاش‌ها برای جلوگیری از جدایی سیاسی ایران و افغانستان)، بهمنی قاجار (۱۳۸۶، ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی) و متولی حقیقی (۱۳۸۳، افغانستان و ایران) به طور مشخص ارتباط این معاهدات را بررسی نکرده‌اند. این در حالی است که معاهدات انگلیس با افغانستان تابعی از شرایط و ارتباط این کشور با ایران و معاهداتش با ایران نیز تابعی از شرایط و ارتباط این کشور با امرای افغان بود و انگلستان در همه این معاهدات، دو هدف اصلی را دنبال می‌کرد: نخست حفظ هندوستان از تهاجم زمینی مرزهای ایران و افغانستان و دیگر جلوگیری از اتحاد شاهان قاجار و امرای افغان.

عوامل مؤثر در روابط قاجاریه با امرای افغان و علل دخالت انگلیسی‌ها

بعد از سقوط زندیه و تلاش آقا محمد خان برای یکپارچه نمودن قلمروهای تاریخی ایران و تشکیل یک حکومت متمرکز، زمینه برخورد میان ابدالی‌ها با شاهان قاجاری فراهم شد. هدف شاهان قاجاری از توجه به هرات و قندهار، احیای قلمرو گذشته ایران و نیز حفظ وحدت سرزمینی بود (حمیدی و یوسف زهی، ۱۳۹۴: ۱)، در حالی که امرای افغان تلاش داشتند تا حکومت قومی خویش در مناطق متصرفی را حفظ کنند. کمک خواستن نادر میرزا شاهزاده افشاری از زمان شاه درانی برای احیای قدرت افشارها در مشهد و در مقابل پناهنده شدن محمود میرزا والی هرات برادر زمان شاه در سال ۱۲۱۲ ق. به دربار فتحعلی شاه که شاه قاجاری را به تسخیر هرات تحریک می‌کرد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۲۶؛ و کیلی فوفلزائی، ۱۳۳۷: ۱۱۱ و ۱۰۲-۱۰۰)، زمینه برقراری روابط سیاسی و برخوردهای نظامی میان شاه درانی و شاه قاجاری را فراهم کرد. هدف اصلی فتحعلی شاه از پذیرفتن محمود میرزا تسخیر هرات و سپردن حکومت آن به محمود به‌عنوان دست‌نشانده خود بود. در عین حال، هدف شاه درانی با حمایت از نادر میرزا نیز جلوگیری از نفوذ قاجارها در خراسان بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶۲/۱-۱۵۹؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۳۵-۳۶۳؛ بارکزایی، ۱۳۹۶: ۲۱۶ و ۲۱۱).

فتح کامل خراسان و تسلط بر آن، کلید فتح هرات به‌شمار می‌رفت، اما تا مدت‌ها والیان خراسان که بیشتر آنان از شاهزادگان بانفوذ قاجاری بودند، نتوانستند به این امر مهم دست یابند. هرات در دوره زمامداری زمان شاه تا مدت‌ها در اختیار شاهزادگان ابدالی بود و با اراده ابدالی‌ها اداره

می شد (محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۳۲-۱۳۱؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۵۴-۵۳؛ وکیلی فوفلزائی، ۱۳۳۷: ۹۷-۹۶). با روی کار آمدن محمود شاه، هرات به عنوان دست نشانده شاه قاجاری اعلام همکاری نمود. گرچه حاکم هرات از شاهزادگان ابدالی بود و از سوی شاه ابدالی به این منصب گماشته می شد، اما حاکم هرات دست نشانده شاه قاجاری بوده و مطیع والی خراسان به شمار می رفت. این توافق الزاماً اطاعت حاکم هرات را در پی نداشت و شاهزاده ابدالی از هر فرصتی برای عصیان استفاده می کرد. فیروز میرزا حاکم هرات (برادر شاه ابدالی) در دوره حکومت محمودلی میرزا بر خراسان چندین بار عصیان نمود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۸۶/۳-۱۴۸۹؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۷۴-۷۲؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۶۲-۳۵۹). با انتصاب حسنعلی میرزا در سال ۱۲۳۲ ق. به امارت خراسان و اقدام مؤثر او در سرکوب خوانین یاغی خراسان، فیروز میرزا از موضع خود کوتاه آمد و با قبول ضرب سکه به نام شاه قاجاری اظهار اطاعت نمود (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۷۲-۳۷۴؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۲۸۴/۱-۲۸۱).

یک سال بعد (۱۲۳۳ ق.) هرات از سوی فتح خان بارکزیایی وزیر محمود شاه مورد تجاوز قرار گرفت و با قوای قاجارها مواجه شد. محمود شاه برای جلوگیری از افزایش اختلاف ها، عمل وزیرش را نکوهش کرد و خود را مخالف این جریان نشان داد. ورود شاه ابدالی از موضع ضعف موجب گسترش نفوذ قاجارها در هرات گردید. این بار والی خراسان یعنی شجاع السلطنه، کامران میرزا پسر محمود شاه درانی را به حکومت هرات منصوب نمود (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۰۰/۱-۲۹۲؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۸۱-۸۰).

فتح خان از خاندان بارکزیایی (محمدزائی) بود. با اقدامات او از دوره محمود شاه زمینه روی کار آمدن امرای جدید در افغانستان فراهم شد. بارکزیایی ها به تدریج بر مناطق مهمی چون کابل، قندهار، پیشاور، کشمیر و غزنه مسلط شدند و قلمرو شاهان درانی به مناطق شرقی افغانستان محدود شد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۸۳-۸۱؛ رشتیا، ۱۳۷۷: ۴۴-۳۸). جنگ داخلی میان امرای افغان فرصت مناسبی بود تا فتحعلی شاه سلطه خود بر هرات را مستحکم سازد. درخواست کامران میرزا از شاه قاجاری مبنی بر حمایت فتحعلی شاه از خاندان ابدالی در برابر بارکزیایی ها به عنوان یک فرصت مناسب که توجیهات لازم برای عملیات نظامی را فراهم کرده بود، از بین رفت. فتحعلی شاه در برابر این تحولات خنثی ماند و در پاسخ شاهزاده ابدالی قول داد در صورت هجوم بارکزیایی ها به قلمروهای غربی از آنان حمایت خواهد کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۴۲/۳-۱۵۴۱؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۸۰-۳۷۹).

در این دوره، سیاست اصلی انگلستان در ارتباط با ایران و افغانستان معطوف بر حفظ مستعمره مهم این کشور یعنی هندوستان از تجاوز دو کشور آسیایی و نیز کشورهای استعمارگر اروپایی به خصوص روسیه و فرانسه بود. زمامداران انگلیسی با راه‌های مختلفی چون تقویت سلسله‌های حاکم بر ایران و افغانستان، روی کار آوردن حاکمان دست‌نشانده و وابسته در این دو سرزمین و نیز ایجاد تعادل قوا میان این حکومت‌ها تلاش نمودند تا هندوستان را حفاظت نمایند. با بررسی منابع ایرانی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۲۰۲۲؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۹/۱)، منابع افغان (عبدالرحمن خان، ۱۳۹۰: ۵۱۳؛ وکیلی فوفلزائی، ۱۳۳۷: ۱۵۷-۱۵۶؛ بارکزایی، ۱۳۹۶: ۲۶۷) و مستشاران انگلیسی و اروپایی (سیمونج، ۱۳۵۳: ۳۸؛ هنت، ۱۳۲۷: ۷-۳؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۲۹۷-۲۹۶) می‌توان این سیاست را مشاهده نمود.

مهم‌ترین عامل اهمیت ایران و افغانستان برای حفظ هندوستان، موقعیت جغرافیایی و همسایگی این دو سرزمین با هندوستان دانسته شده است. در کنار آن، قدرت دریایی انگلستان به عنوان عنصری بازدارنده برای یورش دریایی به هندوستان نیز موجب تشدید اهمیت مرزهای زمینی (به خصوص هرات) مشترک افغانستان و ایران به خصوص برای سایر دول استعمارگر اروپایی شد (هنت، ۱۳۲۷: ۳۳-۳۲؛ مارکام، ۱۳۶۷: ۱۱۵). از این روی انگلیسی‌ها برای جلوگیری از تهاجم افغان‌ها یا ایرانی‌ها به مستعمر خود و نیز ممانعت از عبور رقبای اروپایی از خاک این سرزمین‌ها به هدف تسخیر هندوستان، با نظام‌های سیاسی ایران و افغانستان ارتباط برقرار نموده و سعی کردند تا در خاک دو کشور نفوذ کنند.

دوره جنگ‌های ایران و روسیه و آشکار شدن ضعف ایران در مقابله با دول استعماری و مهم‌تر، چشم طمع روسیه به آسیای مرکزی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۲۰۰۹)، موجب تغییر رویه انگلستان در مواجهه با ایران و افغانستان گردید. ناکامی محمد شاه در فتح هرات و بسط نفوذ انگلیسی‌ها از یک سو و تمایل امرای افغان چون کامران میرزا و امرای بارکزایی بر پذیرش همکاری با انگلیسی‌ها از سوی دیگر، این تغییر روند را تسریع کرد. انگلستان که تا پیش از دوره ناصرالدین شاه هرات را جزئی از خاک ایران قلمداد می‌کرد تا از این طریق شاهان ابدالی را تحت فشار قرار داده و از توجه آنان به هندوستان بکاهد، به دنبال این شد تا بیش از پیش در داخل افغانستان نفوذ نماید و در واقع دیوار حایل را از ایران به مرزهای اصلی افغانستان انتقال دهد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۳/۱). این دیوار حایل نه یک حکومت متمرکز مستقل در افغانستان، بلکه امرایی متعدد با حکومت‌های محلی در سه منطقه مهم و استراتژیک هرات، قندهار و کابل بود. انگلیسی‌ها شرط پذیرش حکومت هر کدام از امرای افغانی در این سه منطقه

را مشروط بر عدم دخالت آنان در امور دو منطقه دیگر کرده بودند (مجددی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

انگلستان در تمام این رویدادها، همواره از دو سیاست نرم و سخت در کنار هم استفاده می کرد. آنان در مواقع لازم از پیاده کردن نیروی نظامی و صرف هزینه های مالی ابایی نداشتند؛ اما برای اینکه تا حد ممکن با کم ترین هزینه اهداف و برنامه های سیاسی خود را محقق سازند، از برنامه تنظیم شده و اصولی انعقاد معاهدات متعدد نیز استفاده می کرد. انگلستان از دوره فتحعلی شاه تا جدایی کامل هرات از ایران، در روابط میان افغان ها با شاهان قاجاری دخالت داشت و در این دخالت با طرح معاهدات دوجانبه (با ایران علیه افغان ها و با افغان ها علیه ایران) به اهداف سیاسی خود جامه عمل پوشاند.

معاهدات انگلستان با ایران و افغانستان در دوره فتحعلی شاه

نخستین روابط رسمی میان انگلیس و دولت قاجار از دوره فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق.) آغاز شد. فرستاده انگلیس، ملکم در ۱۲۱۵ ق. پیمانی با حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله امضاء کرد. به موجب این پیمان، ایران متحد و دوست انگلستان لحاظ شد و قید گردید هرگاه افغان ها قصد حمله به هندوستان را داشتند، ایران به قلمرو آنها لشکرکشی و از اقدام آنان ممانعت نماید. در مقابل، اگر حاکمان افغان و فرانسوی به دنبال نفوذ در قلمرو ایران بودند، انگلستان با تهیه کردن سلاح گرم از ایران پشتیبانی نماید. این معاهده تلاشی بود تا انگلیسی ها از هجوم زمان شاه درانی به هندوستان جلوگیری نمایند. بررسی عواملی چون همکاری امرای شورشی هندی با شاه درانی و صعب العبور و کوهستانی بودن افغانستان که جنگ با آنان را سخت تر می کرد، نشان می دهد که انگلیسی ها در مبارزه مستقیم با شاه درانی شرایط سختی داشتند. بر اساس این معاهده یورش زمان شاه درانی با حمله ایران به قلمروهای شرقی ناکام ماند (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۳۶؛ محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۲؛ الفنتون، ۱۳۷۶: ۵۰۹؛ وکیلی فوفلزائی، ۱۳۳۷: ۱۲۷-۱۲۸).

حدود ۷ سال (۱۲۲۲ ق./۱۸۰۷ م.) بعد میان ایران و فرانسه معاهده فین کنشتاین منعقد شد که در آن، روابط میان ایران و امرای افغان نیز مطرح شد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۴۶-۴۴). در بند اول معاهده، فرانسوی ها به دنبال اخراج انگلیسی ها از ایران بودند. در بند دوم مقرر شده بود میان شاه قاجاری و امرای افغان علیه منافع انگلستان در هندوستان اتحادی برقرار شود (محمود، ۱۳۵۳: ۷۰/۱-۶۶). انگلیسی ها چون ایران را از دست رفته می دیدند، برای خنثی سازی معاهده فین کنشتاین به فریب امرای افغان روی آوردند. در سال ۱۲۲۳ ق. هیئتی از انگلیسی ها به دربار

شاه شجاع درانی در کابل و پیشاور رسید و قراردادی مابین آنان منعقد شد که به معاهده پیشاور معروف است (الفنستون، ۱۳۷۶: ۲۷). به نظر مارکام، این معاهده ارتباط رسمی میان امرای افغان با انگلیسی‌ها را بنا نمود (مارکام، ۱۳۶۷: ۱۱۳). در این معاهده، انگلیسی‌ها استقلال شاه شجاع را به رسمیت شناخته و از سلطنت او با عنوان دولت کابل یاد می‌کنند. همان‌طور که فرانسه از ایران خواسته بود تا در یورش به هند به فرانسه یاری برساند، انگلستان نیز در مواجهه با این یورش احتمالی از شاه شجاع درخواست یاری کرد (الفنستون، ۱۳۷۶: ۲۷؛ محمود، ۱۳۵۳: ۱۳۳/۱-۱۲۰). در بند سوم، روابط دوستانه دائمی میان طرفین مورد توجه قرار گرفته است. در این بند، انگلیسی‌ها چنین تعیین کرده بودند که افغان‌ها به هندوستان یورش نبرند و به فرانسوی‌ها اجازه نفوذ در قلمروهای افغان‌نشین ندهند (بارکزی، ۱۳۹۶: ۲۶۸-۲۶۷).

هدف اصلی از انعقاد این معاهده این بود که انگلیسی‌ها افغانستان را به‌عنوان یک سد بزرگ در مقابل روسیه، ایران و فرانسه قرار داده تا بتوانند از تاج و تخت طلایی هند حفاظت کنند. انگلیسی‌ها با وجود انعقاد معاهده پیشاور، با توجه به دلایل و نگرانی‌هایی چون ضعف امرای افغان در برابر اتحاد ایران و فرانسه و افتادن دائمی ایران به دست یک دولت قوی، برقراری مجدد روابط سیاسی با ایران را نیز در اولویت قرار دادند و اشخاصی چون سر فور هارد جونز را به دربار دومین شاه قاجاری فرستادند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۱۷؛ الفنستون، ۱۳۷۶: ۲۷). معاهده پیشاور میان انگلستان و امرای افغان یک ارتباط آبی در جهت دفع خطر فرانسه بود. از این رو، با شکست فرانسه در اروپا و رفع خطر ناپلئون و دوری مرزهای انگلستان در هندوستان با قلمرو شاه شجاع، روابط میان انگلیسی‌ها و امرای افغانی به شدت کاهش یافت (رشتیا، ۱۳۷۷: ۸۸-۸۷) و مجدداً دولت قاجار مورد توجه انگلیسی‌ها قرار گرفت.

با بی‌اثر شدن معاهده فین‌کنشتاین، انگلیسی‌ها مجدداً به دربار فتحعلی‌شاه راه یافته و معاهده مُجمل را در سال ۱۲۲۴ ق. / ۱۸۰۹ م. منعقد کردند. در این معاهده، انگلیسی‌ها علاوه بر کنترل ایران از یورش به هندوستان، به‌دنبال بی‌اثر کردن سیاست‌های توسعه‌طلبانه افغان‌ها به سمت هندوستان بودند. در فصل سوم، ایران متعهد شد از عبور دولت‌های اروپایی از ایران به‌سوی هندوستان جلوگیری نماید. در فصل چهارم، انگلستان متعهد شد؛ چون یکی از دول اروپایی به ایران هجوم آورد، انگلستان از ایران پشتیبانی نماید. همچنین هرگاه میان افغانه و دولت انگلیس در سرحدات هندوستان جنگی شد، دولت ایران از انگلستان حمایت نماید. در فصل ششم، انگلستان سلطه ایران بر منطقه هرات را تأیید و قرار شد هرگاه میان ایران و امرای افغان جنگی

اتفاق افتاد، دولت انگلستان دخالت نکند، مگر به درخواست یکی از طرفین (ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۸۱: ۲۳۶-۲۳۳).

دولت انگلیس دوباره در سال ۱۲۲۷ ق. با دولت قاجار معاهده مفصل را منعقد نمود. در فصل پنجم، چنین قرار شده بود که در صورت وقوع جنگ و نزاع میان امرای افغان و انگلیسی ها، دولت قاجار لشکری برای حمایت از انگلیسی ها تعیین نماید که هزینه های این سپاه برعهده دولت انگلستان است. در بند ششم نیز چنین توافق شده بود که در صورت بروز جنگ و درگیری میان امرای افغان و دولت قاجار، انگلستان دخالتی نداشته باشد، مگر به درخواست یکی از طرفین در جهت برقراری صلح (ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۸۱: ۲۳۷-۲۴۰).

بررسی این قراردادها نشان می دهد که انگلستان از دولت قاجار به عنوان تهدیدی برای کنترل درانی ها از هجوم به هندوستان استفاده می کرد و در عین حال، از حکومت درانی به عنوان حایلی میان هندوستان و قاجارها استفاده می نمود و در زمانی که شرایط حکم می کرد، به نفع درانی وارد عمل می شد و با تحریک دو حکومت علیه همدیگر به دنبال رسیدن به اهداف خود بود. در این مرحله، انگلیسی ها بیشتر با اتکاء به روش های نرم و معاهدات به دنبال مهار شاهان قاجار و امرای افغان بودند؛ بررسی حوادث و وقایع نیز حاکی از موفقیت آنان در کنترل قاجارها و امرای افغان است. گرچه حضور فرانسه در ایران عصر فتحعلی شاه زمینه تغییر تمرکز از ایران به افغانستان را فراهم کرد، اما این امر تا دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه به تعویق افتاد.

معاهدات انگلستان با ایران و افغانستان در دوره محمد شاه

اوضاع افغانستان در دوره محمد شاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق.) متفاوت تر از دوره فتحعلی شاه بود. در این دوره افغانستان به دو قسمت اصلی تقسیم شده بود؛ امرای قسمت های شرقی (بارکزیایی) به دنبال برقراری ارتباط دوستانه با محمد شاه بودند. هدف آنان از این ارتباط دریافت حمایت و کمک نظامی ایران در رقابت با مخالفانی چون پنجابی ها و اهداف استعماری انگلیس بود (متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۲۱۲؛ بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۷۴)، اما میان امرای افغان غرب با دولت قاجار اختلاف وجود داشت و محمد شاه برای تسخیر هرات اقدام کرده بود. مصادف با این وقایع در سال ۱۲۵۲ ق. نماینده انگلیس، لرد اوکلند^۱ در کابل با دوست محمد خان دیدار نمود تا روابط حسنه ای میان او و کمپانی هند شرقی برقرار سازد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۸۴؛ رشتیا، ۱۳۷۷: ۸۹). هدف از این سفر، انعقاد قراردادی علیه ایران بود. گرچه دوست محمد خان خود را دوست و

دست‌نشانده محمد شاه معرفی کرده بود، اما چون توافق با انگلیسی‌ها می‌توانست او را در برابر هندی‌ها، تسخیر پیشاور و هرات در موضع قدرت قرار دهد، معاهده با انگلیسی‌ها را به شروطی پذیرفت (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۸۵-۸۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۲۰۲۳-۲۰۲۲).

زمانی که انگلستان با خواست دوست محمد خان مخالفت نمود، او علاوه بر موضع دوستانه پیشین در قبال محمد شاه، هرات را جزء قلمرو شاه قاجاری دانست و با این عمل به محاصره هرات از سوی شاه قاجاری مشروعیت داد. امرای بارکزیایی علاوه بر کسب حمایت ایران در مبارزه با انگلیس، به سمت روسیه سوق داده شدند و دوست محمد خان با ویتکوویچ^۱ سفیر روسیه در کابل دیدار نمود (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۴۹-۴۵۰؛ فرهنگ، ۱۳۶۷: ۱۶۲-۱۶۰؛ بهمنی قاجار، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۴).

در سال ۱۲۵۳ ق. میان کهنندل خان و محمد شاه با وساطت فرستاده روسیه معاهده‌ای منعقد شد. بر اساس این معاهده، هرات از آن ایران است و محمد شاه استقلال امرای بارکزیایی را به رسمیت شناخت و مقرر شد که محمد شاه و امرای بارکزیایی در مواجهه با امرای ابدالی یعنی کامران میرزا و یارمحمد خان موضع یکسان گرفته و هیچ کدام از طرفین با امرای ابدالی علیه دیگری متحد نشوند. همچنین محمد شاه در هنگام حمله انگلیس به امرای بارکزیایی از آنان حمایت نماید (نصیری مقدم، ۱۳۷۴: ۶۵-۶۳). این معاهده از نخستین معاهدات موفق میان امرای افغان و شاه قاجاری بود که اهداف هر دو طرف یعنی مقابله با نفوذ انگلیس را تحقق می‌بخشید. اما توان نظامی انگلیس به کمک دیپلماسی این کشور آمده و توافق امرای بارکزیایی و محمد شاه را بی‌اثر ساخت.

ورود روسیه به عرصه رقابت‌ها در آسیا، تغییر رویه سیاست‌های انگلیس در مورد ایران و افغانستان را تسریع بخشید (ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۲). به خصوص روسیه سعی داشت با کسب حمایت ایران از این منطقه به عنوان پایگاهی برای تحقق برنامه‌های خود چون تسلط بر افغانستان و هندوستان و رسیدن به آب‌های اقیانوس هند استفاده نماید (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۲۰۱۰-۲۰۰۹؛ مارکام، ۱۳۶۷: ۱۲۲-۱۲۴). انگلیس که نتوانسته بود حمایت امرای بارکزیایی را به دست آورد و از نفوذ روسیه در ایران و افغانستان ترسیده بود، به جای تلاش بیشتر برای انعقاد معاهده‌ای جدید با ایران، از گزینه نظامی استفاده کرد.

با ادامه محاصره هرات توسط محمد شاه، روابط سیاسی دولت قاجار و انگلستان قطع شد. کشتی‌های انگلیسی در جزایر جنوبی ایران لنگر انداخته و بعد از تصرف خارک به محمد شاه

اتمام حجت کردند تا از محاصره هرات دست بکشد. محمد شاه که از حمایت روس‌ها ناامید شده بود و در خود توان مقابله با انگلیسی‌ها را نداشت، در ۱۲۵۴ ق. به محاصره هرات پایان داد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۴۹۷-۴۹۸؛ هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۵۳-۲۵۱). انگلیس در اولین گزینه نظامی برای پشتیبانی از سیاست‌های دیپلماسی خود موفق ظاهر شد. طی معاهده‌ای که بعد از عقب نشینی نظامیان ایرانی منعقد شد، خروج ایران از هرات و دیگر مناطق تسخیر شده چون غوریان از مهم‌ترین مفاد آن بود (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۰۱/۲-۶۹۸؛ محمود، ۱۳۵۳: ۴۱۷/۲-۴۰۳). بعد از ترک محاصره هرات، سر جان مک نیل در ۱۲۵۷ ق. / ۱۸۴۱ م. به تهران آمد و مورد استقبال قرار گرفت. روابط سیاسی از سر گرفته شد و انگلیسی‌ها مجدداً حربه انعقاد معاهدات را در پیش گرفتند (ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۸۱: ۲۰۴-۱۹۹).

بعد از خروج ایران از هرات (۱۲۵۴ ق.) انگلیسی‌ها از یک سو با دولت قاجار و از سوی دیگر با امرای ابدالی (یارمحمد خان و کامران میرزا) معاهداتی را منعقد نمودند. انگلیسی‌ها علاوه بر انعقاد معاهده دوستانه با امرای ابدالی در بازسازی هرات نیز کوشیدند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۸۲-۸۴؛ بارکزیایی، ۱۳۹۶: ۳۲۹). هدف آنان از این معاهدات، نزدیک شدن به امرای ابدالی بود تا در هنگام رویارویی با شاه قاجاری و دیگر مهاجمان به هندوستان، از حمایت آنان برخوردار باشند. بعد از ناکامی محمد شاه در تسخیر هرات، درگیری او به امور داخلی و نفوذ انگلیسی‌ها در هرات، کمپانی هند شرقی بر نفوذ خود در خاک افغانستان افزود و برای سلطه بر قلمروهای شرقی و جنوبی که در دستان خاندان بارکزیایی بود، اقدام کرد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۹۱-۸۹؛ نصیری‌مقدم، ۱۳۷۴: ۹۲-۹۵). در این مرحله انگلیسی‌ها برای به ثمر نشاندن برنامه‌های سیاسی خود در افغانستان به عملیات نظامی متوسل شدند. کمپانی هند شرقی در سال ۱۲۵۴ ق. به دلایلی چون جلوگیری از حمله آتی ایران به افغانستان، همکاری امرای قندهار با دولت ایران و ناتوانی دوست محمد خان در برقراری امنیت و نیز نامشروع بودن حکومت بارکزیایی‌ها به سمت کابل و قندهار لشکرکشی کرد. انگلیسی‌ها در چند جنگ دوست محمد خان را شکست داده و با سرکار آوردن شاه شجاع درانی در سال ۱۲۵۵ ق. حکومتی دست‌نشانده در کابل تشکیل دادند (اعتمادالسلطنه، ۲۰۲۲: ۱۳۹۰؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۹۲-۹۱؛ بارکزیایی، ۱۳۹۶: ۲۹۲؛ محمود، ۱۳۵۳: ۵۳۹/۲-۵۳۸).

انگلیسی‌ها برای به قدرت رسانیدن شاه شجاع، معاهده‌ای را به امضای او رسانیدند که برقرار بودن حکومت‌های محلی، حفظ هندوستان از حمله امرای افغان و نیز خطرات دولت‌های غربی، اهم مفاد آن بود. بر اساس توافق حاصله، در صورتی که شاه شجاع با هجوم ایران و دیگر دولت‌های

غربی مواجهه می‌شد، منوط به حفظ هندوستان از تجاوز مهاجمین، انگلیس از شاه شجاع حمایت می‌کند (بارکزیایی، ۱۳۹۶: ۲۹۱-۲۹۲؛ رشتیا، ۱۳۷۷: ۹۶-۹۵). همچنین بعد از سلطه بر بسیاری از مناطق افغانستان در سال ۱۲۵۵ ق. قراردادی با کامران میرزا منعقد کردند که بر طبق آن، حکومت هرات به کامران میرزا و جانشینان او واگذار شد و انگلیس پذیرفت که ماهیانه مبلغی را برای تجهیز سپاه کامران میرزا به او بپردازد. در مقابل تعهدات انگلیس، امیر ابدالی نیز متعهد شد که از هجوم دشمنان خارجی به هندوستان جلوگیری نماید، در صورت ضرورت با شاه شجاع متحد شود و از هرگونه ارتباط مستقیم با ایران بپرهیزد (محمود، ۱۳۵۳: ۴۵۴/۲-۴۵۳؛ هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۵۳).

حکومت شاه شجاع در قندهار طولی نکشید و با عصیان برادران بارکزیایی از بین رفت (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۱۰۷-۱۰۶؛ رشتیا، ۱۳۷۷: ۱۱۳-۱۱۲). بعد از شکست شاه شجاع، دوست محمد خان با پذیرش تابعیت و حضور انگلیسی‌ها در این مناطق مجدداً به قدرت رسید (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۱۳۵-۱۳۳؛ بارکزیایی، ۱۳۹۶: ۳۲۰-۳۱۰). انگلیسی‌ها برای تحکیم نفوذ خود، معاهده‌ای با دوست محمد خان منعقد نمودند. بر اساس این معاهده، هرات و قندهار دو سرزمین مستقل شدند و دوست محمد خان از ادعاهای خود نسبت به هرات صرف نظر کرد. همچنین انگلیس تنها دولت خارجی متحد دوست محمد خان به‌شمار آمد و او نباید با هیچ دولت خارجی دیگری معاهدات سیاسی و نظامی منعقد سازد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۶۱۲؛ مجددی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

تلاش‌های انگلیسی‌ها در این مرحله برای جدایی کامل میان هرات و دربار قاجار به شکست انجامید. زیرا یارمحمد خان در سال ۱۲۵۷ ق. / ۱۸۴۱ م. شاهزاده ابدالی را خلع نمود و برای مشروعیت حکومت خود بر هرات به نام محمد شاه قاجار سکه ضرب نمود (کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۲۰۸-۲۰۷؛ بارکزیایی، ۱۳۹۶: ۳۳۰-۳۳۱). انگلستان در سال ۱۲۵۸ ق. با قیام سراسری امرای افغان در مناطق شرقی نیز مواجه شد. از این‌رو، در همین سال با مبارزان افغان صلح‌نامه‌ای را تنظیم کرد. در فصل اول این مصالحه‌نامه بر دوستی دولت افغانستان و انگلیس تأکید می‌شود. در فصل دوم، انگلیسی‌ها متعهد شده بودند تا خاک افغانستان را ترک کنند. در فصل پنجم آمده است در صورتی که ایران و روسیه بخواهند از طریق خاک افغانستان به هند یورش ببرند، بر دولت افغانستان لازم است با آنها مقابله نماید. تجهیزات نظامی این مقاومت نیز توسط انگلیسی‌ها فراهم خواهد شد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۱۰۵)؛ سرانجام نیز دوست محمد خان با حمایت انگلیسی‌ها به قدرت مسلط تبدیل شد.

معاهدات انگلستان با ایران و افغانستان در عصر ناصری

مصادف با روی کار آمدن ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.) در افغانستان سه حکومت محلی قدرت را در دست داشتند. در کابل، دوست محمد خان دست‌نشانده انگلیسی‌ها حکومت می‌کرد. در قندهار برادر او بر سر کار بود و در هرات نیز یارمحمد خان سیطره داشت و به نام شاه قاجاری حکومت می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/ ۸۳-۸۲؛ آدمیت، ۱۳۶۲: ۱۶۱۲).

اعلام تابعیت یارمحمد خان از محمد شاه، ناصرالدین شاه و نقش امیرکبیر در ایجاد روابط گسترده و مستحکم با یارمحمد خان (ریاضی‌هروی، ۱۳۷۲: ۳۷-۳۸ و ۵۰؛ بارکزیایی، ۱۳۹۶: ۳۳۲-۳۳۱)، اعلام تابعیت سعیدمحمد خان (جانشین یارمحمد خان) حاکم جدید هرات از شاه قاجاری و رسمیت دادن به حاکم جدید هرات از سوی شاه و امیرکبیر (خورموجی، ۱۳۴۴: ۹۹-۹۸؛ هنت، ۱۳۲۷: ۴۰-۳۹)، شکست کهنندل خان در فتح هرات به سال ۱۲۶۸ ق. (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۰۰-۹۸؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۲۲) و تحریک انگیزه استقلال‌خواهی امرای افغان از انگلیسی‌ها (رشتیا، ۱۳۷۷: ۱۸۹-۱۸۸) موجب تغییر سیاست انگلستان در مورد حکومت‌های محلی افغان شد. انگلیسی‌ها که در ابتدا قصد داشتند با روی کار آوردن امرای مختلف مستقل در نواحی متعدد، افغانستان را اداره کنند، در برنامه خود شکست خوردند. از این روی در سیاست جدید سعی بر این بود تا حکومتی متمرکز در افغانستان تشکیل شود، با این شرط که این حکومت دست‌نشانده انگلیس و مستقل از ایران باشد (شمیم، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

انگلیسی‌ها برای تحقق اهداف خود، ابتدا به شیوه‌های نرم و انعقاد معاهدات متوسل شدند. کلنل شیل با کسب موافقت سیاستمدارانی چون نوری موفق شد در سال ۱۲۶۹ ق. قراردادی را امضاء کند که بر اساس آن، دولت قاجار از ادعای حاکمیت خود بر هرات گذشت و قول داد هیچ دخالتی در امور هرات نداشته باشد. هیچ نماینده مقیمی در هرات نداشته باشد و نماینده‌ای از هرات را نیز نپذیرد. دولت انگلستان نیز تعهد داده بود که در امور هرات دخالت ننماید و استقلال سعیدمحمد خان حاکم هرات حفظ شود (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۳۰-۱۲۸؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱۱۲۳/۳-۱۲۲۲؛ هنت، ۱۳۲۷: ۴۳-۴۲؛ آدمیت، ۱۳۶۲: ۶۴۶-۶۴۵). میرزا آقا خان نوری در نامه‌ای به سعیدمحمد خان، استقلال او و بی‌طرفی ایران نسبت به هرات را تأیید کرد (محمود، ۱۳۵۳: ۶۵۴/۲-۶۵۳)، اما انگلیسی‌ها به مفاد معاهده پای بند نبودند و شیل^۱ سفیر انگلیس با نامه‌ای دوستانه، حمایت انگلیس از او را اعلام کرد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷۱). در نتیجه این معاهده، سعیدمحمد خان به پشتوانه حمایت انگلیسی‌ها به مرزهای خراسان از جمله قائنات هجوم برد و موضع سختی در قبال ایران اتخاذ کرد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷۱).

برنامه انگلیسی‌ها برای آرام نگه‌داشتن اوضاع هرات زیاد دوام نیاورد. محمدیوسف خان از شاخه درانی قیام و سعیدمحمد خان را عزل نمود (کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۲۲۳/۲-۲۲۲؛ بارکزایی، ۱۳۹۶: ۳۳۳). حاکم جدید هرات، افزون بر احیای مجدد سلطنت خاندان درانی (ابدالی) در هرات، همانند پیشینیان، خود را حاکم شاه قاجاری در هرات اعلام کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۹۳/۳؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۴/۱؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷۳-۱۷۱). با بروز این وقایع، سیاست انگلیسی‌ها بر این قرار گرفت که از دوست محمد خان حاکم کابل برای تسخیر هرات حمایت نمایند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۴/۱؛ بهمنی قاجار، ۱۳۸۵: ۷۲). انگلیسی‌ها برای رسیدن به این خواسته، معاهده جمرود را در سال ۱۲۷۱ق. / ۱۸۵۵م. با دوست محمد خان منعقد کردند. این معاهده بر روابط دوستانه انگلیسی‌ها با دوست محمد خان و حمایت از او در مبارزه با دشمنان مشترک مانند سایر امرای افغان (به خصوص در قندهار و هرات) و دولت قاجار تأکید داشت (کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۲۲۰/۲-۲۱۸؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷۶؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۸۸/۳-۱۲۹۳).

بر اساس معاهده جمرود، دوست محمد خان، سلطه برادرش بر قندهار را از بین برد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷۶؛ بارکزایی، ۱۳۹۶: ۳۳۳-۳۳۴). موضع شاه ایران در برابر این اقدام بسیار ضعیف و خالی از هر درک سیاسی بود (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۹۵/۳-۱۲۹۳؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۴/۱-۸۳؛ کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۲۲۵/۲). دوست محمد خان به سال ۱۲۷۲ق. برای تشکیل حکومت مرکزی قدرتمند به سمت هرات و سیستان لشکرکشی نمود. زمامداران ایرانی که در موضع فتح قندهار در خواب زمستانی بودند، با آگاهی از پیشروی دوست محمد خان به سمت مرزهای ایران، از انگلیس درخواست یاری کردند، همچنین نیروی کمکی به هرات فرستادند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۹۳/۳؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۴/۱؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷۳-۱۷۱).

بی‌اثر شدن حمایت‌های ایران از حاکم هرات، مخالفت بزرگان هرات با محمدیوسف و نفوذ دوست محمد خان در میان نظامیان هرات موجب شد تا محمدیوسف برای بقاء در قدرت، خود را مطیع انگلیس اعلام کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۹۳/۳؛ سایکس، ۱۳۹۱: ۵۰۳-۵۰۲). انگلیسی‌ها که توانسته بودند با این اقدام، اتحاد حاکم هرات را به‌دست آورده و وابستگی آن به دولت قاجار را از بین ببرند، از پیشروی دوست محمد خان به سمت هرات جلوگیری کردند (متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۲۵۹-۲۵۸).

ابراز همبستگی محمدیوسف و برخی از بزرگان افغان چون مجید خان و عیسی خان با ایران و تلاش حسام‌السلطنه به‌منظور فتح هرات، موجب تشدید عملیات نظامی ایران برای تسخیر هرات گردید. در ضمن محاصره هرات، محمدیوسف از کار برکنار و عیسی خان به قدرت رسید

(سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۳۳۴-۳۳۳؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/۸۵-۸۴). با امتناع عیسی خان از تسلیم هرات به حاکم خراسان، عملیات نظامی گسترش یافت. عیسی خان برای حفظ موقعیت خود از انگلیسی‌ها درخواست کمک نمود. انگلیسی‌ها با استفاده از حامیان خود در دربار تلاش کردند تا حاکم خراسان را از محاصره هرات منصرف سازند. علاوه بر این، دوست محمد خان دست‌نشانده انگلیسی‌ها نیز نیروی کمکی به عیسی خان ارسال نمود. با این همه، حسام‌السلطنه در محرم ۱۲۷۳ ق. هرات را تسخیر کرده و به عمر استقلال خواهی امرای افغان در هرات پایان داد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۸۶-۱۸۴ و ۱۹۰-۱۸۸؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۲۹۶-۱۲۹۵ و ۱۳۳۸؛ بارکزیایی، ۱۳۹۶: ۳۳۴).

انگلیسی‌ها با از دست دادن هرات، مجدداً دوست محمد خان را در مرکز سیاست‌های خود قرار دادند. تهدید جدی هرات از سوی ایران، موجب تغییر رویه و دیدگاه انگلیسی‌ها نسبت به نوع حکومت در افغانستان شد. آنان سابق بر این، وجود یک حکومت مرکزی قدرتمند در هرات را نفی کرده و مانع منافع خود می‌دیدند؛ اما در این برهه، انگلیسی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که وجود یک دولت نسبتاً قوی در افغانستان به ریاست دوست محمد خان نه تنها به زیان انگلیس نیست؛ بلکه می‌تواند برای حفاظت متصرفاتش در هند سودمند باشد (فرهنگ، ۱۳۶۷: ۲۰۲)؛ بنابراین، در این زمان، معاهده جدید میان دوست محمد خان و لارونس، سفیر انگلیسی‌ها بر ضد اقدامات ایران و موقعیت دولت قاجار در مرزهای شرقی منعقد شد (سایکس، ۱۳۹۱: ۵۰۳). در این معاهده که به معاهده دوم جمروود مشهور است و ۱۲ شرط داشت، انگلستان حمله ایران به هرات را خلاف معاهدات بین دو دولت دانسته و این اقدام ایران را محکوم نمود و برای غلبه بر ایران از دوست محمد خان کمک گرفت (فرهنگ، ۱۳۶۷: ۵۵۷-۵۵۶).

سرانجام انگلیسی‌ها بعد از تلاش‌های فراوان برای انعقاد معاهدات و تهدید و تطمیع کارگزاران ایرانی، به منظور رسیدن به خواسته‌های خود در نواحی جنوبی ایران نیروی نظامی مستقر کردند. ناصرالدین شاه که توان مقابله با انگلیسی‌ها را نداشت، با معاهده پاریس موافقت نمود. معاهده پاریس در ۱۵ فصل تنظیم شد که به طور کلی ناظر بر روابط ایران و افغانستان و نقش انگلستان در این روابط سیاسی بود (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۱۲-۲۱۳). بر اساس فصل اول از زمان انعقاد معاهده میان دو کشور صلح و دوستی حاکم است. در فصل دوم تعیین شده بود که نیروهای انگلیسی خاک ایران را ترک کنند. در فصل پنجم مقرر شده بود که نیروهای ایران از افغانستان و به خصوص هرات خارج شوند. در فصل ششم افغانستان و هرات کاملاً از ایران منفک و مستقل شدند و شاه ایران از تمام ادعاهای خود بر این مناطق صرف نظر نمود. همچنین در امور داخلی

افغانستان و هرات مداخله نکند و در صورت بروز اختلاف میان حاکمان ایرانی و حاکمان افغان، دولتمردان ایرانی برای رسیدگی و حل معضلات پیش‌رو به نمایندگان انگلستان مراجعه نمایند. در فصل هفتم نیز تعیین شده بود ایران در مقابله با هجوم امرای افغانی به مرزهای خود صاحب اختیار است؛ اما بعد از عقب راندن دشمن نباید به داخل افغانستان پیشروی و در آنجا نفوذ کند (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۱۳-۲۱۸؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱۴۵۶/۳-۱۴۵۰؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۶/۱-۸۵).

بعد از معاهده پاریس حکومت هرات به سردار سلطان احمد خان واگذار شد. سردار سلطان احمد خان خطبه به نام ناصرالدین شاه خواند و خود را مطیع دولت قاجار دانست (ریاضی هروی، ۱۳۶۹: ۶۵؛ کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۲۲۴/۲-۲۲۳؛ بارکزی، ۱۳۹۶: ۳۳۵). احمد خان در مقابله با ادعاهای دوست محمد خان و انگلیسی‌ها نسبت به هرات، علاوه بر دولت قاجار به سوی روسیه نیز کشیده شد (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۵۶ و ۱۴۰). دولت قاجار که بر اساس معاهده پاریس حق دخالت در امور داخلی افغانستان را نداشت، با نمایندگان انگلستان باب مکاتبه را گشود تا از یورش دوست محمد خان به سوی هرات جلوگیری نماید. با تشدید اختلافات میان دوست محمد خان و سلطان احمد خان، ادوارد استویک، مستشار انگلیسی برای ایجاد صلح میان آن دو به تهران مسافرت کرد (کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۲/۲۷۴). پس از بی‌اثر بودن میانجیگری مستشار انگلیسی به منظور برقراری صلح، احمد خان همچنان از ناصرالدین شاه و به خصوص حاکم خراسان حسام‌السلطنه درخواست حمایت داشت (بهمنی قاجار، ۱۳۸۵: ۸۰).

دوست محمد خان در سال ۱۲۷۹ ق. هرات را تسخیر و ضمیمه قلمرو خود نمود. بعد از دوست محمد خان جنگ داخلی آغاز شد و برخی از مدعیان مانند امیر عبدالرحمن خان به دربار شاه قاجاری پناهنده شدند. گرچه هدف آنان از این اقدام، دریافت حمایت شاه قاجاری بود، اما بر اساس معاهده پاریس دولت قاجار نمی‌توانست در امور داخلی افغانستان دخالت نماید (ریاضی هروی، ۱۳۶۹: ۷۲-۷۵؛ کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۲/۲۷۲-۲۷۴ و ۳۱۵-۳۱۳؛ بارکزی، ۱۳۹۶: ۳۳۶-۳۳۵).

از دیدگاه کرزن، روابط ناصرالدین شاه با امرای افغان چون شیرعلی خان و بعدها امیر عبدالرحمن خان وضع مشخصی نداشت. آنان با یکدیگر روابط سطحی داشتند و انگلیس مهم‌ترین عامل مؤثر در روابط این حاکمان بود. همچنین از نظر او در صورتی که انگلستان در روابط طرفین دخالتی نداشت، طرفین برای حل اختلافات مرزی به خصوص سیستان باید وارد جنگ می‌شدند (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۶۹۷-۶۹۵؛ گزارش سفارت کابل، ۱۳۶۸: ۵۸-۵۶). شیرعلی

خان در نهایت معاهده گندمک را با انگلیسی‌ها منعقد نمود. بر اساس این معاهده، علاوه بر استقرار نمایندگان انگلیس در افغانستان، سیاست خارجی آنان مانند ارتباط دوستانه یا جنگ با کشور دیگر در راستای سیاست‌های انگلیس و مشورت با آنان تعیین شد (کاتب هزاره، ۱۳۳۱: ۳۴۹-۳۵۲/۲).

نتیجه‌گیری

بعد از سقوط نادر شاه، قلمروهای او میان سران طوایف تقسیم شد. آقا محمد خان قاجار توانست زندیه و افشاریه را شکست دهد؛ اما تعیین تکلیف قلمروهای تسخیرشده توسط ابدالی‌ها به دوره فتحعلی شاه سپرده شد. در این دوره با اوج‌گیری فعالیت‌های استعماری، انگلیس در جهت حفظ هندوستان توجه خود را به مرزهای ایران و افغانستان و به خصوص هرات معطوف کرد؛ در نتیجه، در روابط میان امرای افغان و شاهان قاجاری دخالت نمود. انگلیسی‌ها در تحقق اهداف خود در این روابط از دو حربه انعقاد معاهدات و در صورت لزوم عملیات نظامی استفاده می‌کردند. انگلیسی‌ها در دوره فتحعلی شاه با دولت قاجار، معاهده مجمل و مفصل (۱۲۱۵ق.) را منعقد کردند که هدف از آن، کنترل امرای افغان از طریق قدرت بازدارندگی دولت قاجار بود. همچنین در این دوره برای بی‌اثر کردن معاهده فین‌کنشتاین، معاهده پیشاور را با امرای افغان منعقد کردند که هدف از آن، ایجاد خط دفاعی در برابر نیروهای متفق ایران و فرانسه بود. در سال ۱۲۵۲ق. که نظامیان قاجاری به دنبال تسخیر هرات بودند، سفیر انگلستان در کابل با دوست محمد خان توافقی را امضاء کرد که هدف از آن، کنترل ایران از تسخیر هرات و تهدید هندوستان بود. در این زمینه، آنها موفقیتی به دست نیاوردند؛ بلکه با وساطت نماینده روسیه میان محمد شاه و امرای بارکزیایی توافقی حاصل شد که هدف از آن، کنترل نفوذ انگلستان در دو منطقه بود. این تنها موقعیتی بود که نمایندگان هر دو کشور، سیاست‌های انگلستان را ناکام گذاشتند. اما انگلیس با استفاده از توان نظامی، شاه قاجاری را مجبور به تسلیم کرد و بعد از آن، دوباره معاهداتی را با دولت قاجار و امرای افغان در کابل و هرات منعقد نمود.

در دوره ناصرالدین شاه نیز انگلستان سیاست انعقاد معاهدات با هر دو سرزمین را دنبال کرد. در سال ۱۲۶۹ق. معاهده‌ای میان زمامداران قاجاری با انگلیسی‌ها منعقد شد که برای اولین بار، ایران پذیرفته بود که در امور داخلی هرات دخالت نکند. با این معاهده، حاکم هرات استقلال یافت و انگلیسی‌ها بر خلاف توافقی معاهده ۱۲۶۹ق. با او توافق جدیدی را تنظیم کردند. با ابراز تابعیت حاکم هرات به دولت قاجار، انگلیسی‌ها در جهت تسخیر هرات و جلوگیری از پیشروی ایران به

سمت هرات، با دوست محمد خان، معاهده جمرود را منعقد کردند که هدف اصلی از آن، تسخیر هرات توسط دولت دست نشاندۀ انگلستان و ممانعت از پیشروی ایران در این منطقه بود. بعد از فتح هرات توسط حسام السلطنه در سال ۱۲۷۳ق. انگلیسی‌ها دوباره معاهده دوم جمرود را با دوست محمد خان منعقد نمودند که همان اهداف معاهده اول را دنبال می‌کرد. گرچه انگلیسی‌ها با انعقاد معاهدات، فتح هرات توسط قاجارها را به تعویق انداختند و حتی از نفوذ دولت قاجار در داخل افغانستان به صورت کامل جلوگیری کردند، اما نتوانستند ایران را از ادعایش نسبت به هرات منصرف سازند و سرانجام طی عملیاتی نظامی به این مهم دست یافتند. با معاهده پاریس، هرات از ایران منفک شد و دولت قاجار استقلال کامل افغانستان را به رسمیت شناخت و قول داد که در امور داخلی افغانستان دخالت نکند. انگلیسی‌ها سیاست انعقاد معاهدات با امرای بارکزی را ادامه دادند و در پایان با انعقاد معاهده گندمک نفوذ خود در افغانستان را به شدت گسترش دادند تا حدی که علاوه بر امور داخلی، تعیین‌کننده مسیر سیاست خارجی امرای افغان نیز بودند.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون، ۱۳۶۲، *امیرکبیر و ایران*، چاپ هفتم، تهران: خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۷، *تاریخ منتظم ناصری*، جلد ۳، به تصحیح: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۷۴، *المآثر و الآثار: جلد ۱، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، تعلیقات: حسین محبوبی اردکانی، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، «رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی و افغانستان»، به کوشش: مصطفی نوری، *پیام بهارستان*، ۱۳۹۰، شماره ۱۴، ۲۰۵۸-۲۰۰۶.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، ۱۳۷۰، *اکسیرالتواریخ*، به اهتمام: جمشید کیان‌فر، تهران: ویسمن.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، ۱۳۶۵، *تاریخ وقایع و سوانح افغانستان*، به تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- الفنستون، مونت استوارت، ۱۳۷۶، *افغانان: جای، فرهنگ، نژاد (گزارش سلطنت کابل)*، ترجمه: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بارکزی، سلطان محمد خان، ۱۳۹۶، *تاریخ سلطانی*، به تصحیح: عتیق اروند، کابل: امیری.
- بهمنی قاجار، محمدعلی، «گستره تمدنی ایران خاوری در آستانه جدایی سیاسی ایران و افغانستان ۱۲۵۰-۱۱۶۰»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۱۳۸۵، شماره ۳۱، ۶۳-۵۴.

- «واپسین تلاش‌ها برای جلوگیری از جدایی سیاسی ایران و افغانستان»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۱۳۸۶، شماره ۳۶، ۷۴-۸۵.
- حمیدی، سمیه و ناصر یوسف‌زهی، «ایران و مسئله هرات و قندهار در دوره قاجار»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۹۴، شماره ۶۴، ۷۳-۹۷.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ، ۱۳۷۵، *سفرنامه خانیکوف*، ترجمه: اقدس یغمائی و ابوالقاسم بی‌گناه، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- خاوری‌شیرازی، میرزا فضل‌الله، ۱۳۸۰، *تاریخ ذوالقرنین*، به تصحیح و تحقیق: ناصر افشارفر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خورموچی، محمدجعفر بن محمدعلی، ۱۳۴۴، *حقایق‌الاحبار ناصری*، به کوشش: حسین خدیوجم، تهران: زوار.
- رشتیا، قاسم، ۱۳۷۷، *افغانستان در قرن نوزده*، پیشاور: میوند.
- ریاضی‌هروی، محمدیوسف، ۱۳۶۹، *عین‌الوقایع: تاریخ افغانستان در سال‌های ۱۳۲۴-۱۲۰۷*، به کوشش: محمد آصف فکرت هروی، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۹۱، *تاریخ ایران*، جلد ۲، ترجمه: محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: نگاه.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک، ۱۳۷۷، *ناسخ‌التواریخ*: جلد ۱ و ۲ و ۳، *تاریخ قاجاریه*، به اهتمام: جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- سیمونیچ، ای. او، ۱۳۵۳، *خاطرات وزیرمختار از عهدنامه ترکمنچای تا جنگ هرات*، ترجمه: یحیی آربین‌پور، تهران: پیام.
- شمیم، علی‌اصغر، ۱۳۸۹، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چاپ دوم، تهران: بهزاد.
- ظهيرنژاد ارشادی، مینا، ۱۳۸۱، *اسنادی از روابط ایران و انگلستان در دوره محمد شاه قاجار*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- فرهنگ، میر محمدصدیق، ۱۳۶۷، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، پیشاور: انجینر احسان‌الله مایار.
- عبدالرحمن خان، ۱۳۹۰، *تاج‌التواریخ*، کابل: میوند.
- کاتب هزاره، ملّا فیض‌محمد، ۱۳۳۱، *سراج‌التواریخ*، کابل: مطبعه‌حروقی.
- کرزن، جرج ناتانیل، ۱۳۷۳، *ایران و قضیه ایران*، جلد ۱ و ۲، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گزارش سفارت کابل، ۱۳۶۸، به کوشش: محمد آصف فکرت، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- مارکام، کلمنت، ۱۳۶۷، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، چاپ دوم، ترجمه: میرزا رحیم فرزانه، تهران: نشر فرهنگ ایران.
- متولی‌حقیقی، یوسف، ۱۳۸۳، *افغانستان و ایران*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مجددی، علامه عبدالحق و فضل‌الله مجددی، ۱۳۸۲، *حقیقت‌التواریخ*: از امیرکبیر تا رهبر کبیر، چاپ دوم، کابل: میوند.
- محمود، محمود، ۱۳۵۳، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، تهران: اقبال.
- محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹، *تاریخ صاحبقرانی*، به تصحیح: نادره جلالی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

جنگ معاهدات (سیاست انگلستان برای مهار امرای افغان و شاهان قاجار) □ ۴۷

مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۴، شرح زندگانی من، تهران: زوآر.

نصیری‌مقدم، محمدنادر، ۱۳۷۴، گزیده اسناد سیاسی ایران و افغانستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

وکیلی‌فوفلزائی، عزیزالدین، ۱۳۳۷، دره‌الزمان فی تاریخ زمان شاه، کابل: مطبعه دولتی دارالسلطنه کابل.

هدایت، رضاقلی خان، ۱۳۷۳، فهرس‌التواریخ، به تصحیح: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هانت، جورج هنری، ۱۳۲۷، جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۲۷۳ هجری قمری، ترجمه: حسن سعادت‌نوری، تهران: شرکت سهامی چاپ.

هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۶۴، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: امیرکبیر.